

نماز و دعا در کنار قبور

نویسنده: علی اصغر رضوانی،

منبع اولیه: وهابیت و مسئله قبور، علی اصغر رضوانی، مشعر، تهران، ۱۳۹۰ ش.

منبع ثانویه: سایت تخصصی وهابیت شناسی <http://vahhabiyat.com>

اول: نماز و دعا در کنار قبور

فتاوی وهابیان

۱. ابن تیمیه می‌گوید:

صحابه عادتشان بر این بود هنگامی که کنار قبر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می‌آمدند بر او سلام می‌دادند، ولی هنگامی که می‌خواستند دعا کنند رو به قبر شریف دعا نمی‌کردند، بلکه از قبر منحرف شده و رو به قبله دعا می‌نمودند؛ مانند سایر بقعه‌ها، از همین رو هیچ یک از ائمه سلف ذکر نکرده‌اند که نماز کنار قبور و در مشاهد، مستحب و افضل است، بلکه همه اتفاق نموده‌اند بر اینکه نماز در مساجد و خانه‌ها افضل از کنار قبور انبیا و صالحین است؛ چه آن قبر مشهد نامیده شده باشد یا خیر.^(۱)

وې در جای دیگر می‌گوید:

نماز در کنار قبور مشروع نیست و نیز قصد مشاهد کردن برای عبادت در آن مکان‌ها؛ از قبیل نماز، اعتکاف، استغاثه و ابتهاج و مانند این افعال، مشروع نیست و کراهت دارد. بلکه عده زیادی نماز را به جهت نهبی که به آن خورده، باطل می‌دانند...^(۲)

۱. رساله زیارة القبور، ص ۱۵۹.

۲. مجموعة الرسائل والمسائل، ج ۱، ص ۶۰.

۲. ابن قیم جوزیه می‌گوید: «پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نهي کرده از نماز خواندن در کنار قبور، ولی اکثر مردم در کنار قبور نماز می‌خوانند...»^(۱)

۳. محمد بن عبدالوهاب می‌گوید:

هیچ یک از ائمه پیشین ذکر نکرده‌اند که نماز کنار قبور و مشاهد مستحب و افضل است، بلکه همه اتفاق دارند بر اینکه نماز در مساجد و خانه‌ها، افضل از مقابر اولیا و صالحین است.^(۲)

۴. شیخ عبدالعزیز بن باز می‌گوید:

نماز در کنار قبور بدعت و از وسایل شرک است. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: «إجعلوا من صلاتكم في بيوتكم ولا تتخذوها قبور»؛ «بخشی از نمازهایتان را در خانه‌هایتان بخوانید و خانه‌هایتان را قبور نکنید». این حدیث دلالت دارد که در کنار قبور نباید نماز خواند و تنها نماز را باید در مساجد یا خانه به‌جای آورد...^(۳)

رجحان نماز در کنار قبور اولیا

حکم به رجحان نماز و دعا در کنار قبور اولیا را می‌توان از جهاتی اثبات نمود.

۱. تبرک برخی از زمین‌ها و بقعه‌ها

از آیات و روایات استفاده می‌شود که برخی از زمین‌ها و بقعه‌ها

۱. اغاثة اللهفان، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲. زیارة القبور، صص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۱۶۸

۳. فتاوی نور علی درب، ج ۱، ص ۳۰۲.

مبارکند و بر زمین‌ها و بقعه‌های دیگر ترجیح دارند و در مقابل، برخی از زمین‌ها و بقعه‌ها غیر مبارکند و باید از آنها پرهیز نمود.

الف) آیات

یک - خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّ أَوْلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَنَيْنَاهُ لِنُفْسِكُمْ وَمَا رَدَّكُمْ عَلَيْهِ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ سَلَكَ سَبِيلَهُ» (آل عمران: ۹۶)

نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است.

دو - همچنین می‌فرماید:

«وَوَجَّهْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۷۱)

و او و لوط را به سرزمین (شام) - که آن را برای همه جهانیان پربرکت ساختیم - نجات دادیم.

سه - خداوند متعال در جای دیگر می‌فرماید: «إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى»؛ «در آن هنگام که پروردگارش او را در سرزمین مقدس «طوی» ندا داد». (نازعات: ۱۶)

چهار - نیز می‌فرماید: «فَاخْلَعْ تَعْلِيكَ إِتَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى»؛ «کفش‌هایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی». (طه: ۱۲)

پنج - همچنین می‌فرماید:

۱۶۹

«وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا

فِيهَا» (انبیاء: ۸۱)

و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم، که بفرمان او بسوی سرزمینی که آن را پربرکت کرده بودیم جریان می‌یافت.

شش - خداوند متعال می‌فرماید:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ» (اسراء: ۱)

پاک و منزه است خدایي که بنده اش را در یک شب، از مسجدالحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم - برد.

بنابراین اگر برخی از مکان‌ها مبارک است ما می‌توانیم از برکات آن مکان‌ها بهره‌مند شویم.

(ب) روایات

گاهی قطعه‌های زمین، همانند بانیان آنها متصف به صفت شقاوت و سعادت می‌شوند:

یک - بخاری به سندش از عبدالله بن عمر نقل می‌کند که پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) هنگامی که از سرزمین ثمود می‌گذشت، فرمود:

به سرزمین‌هایی داخل نشوید که صاحبان آنها به خود ظلم نمودند تا شما نیز همانند آنان به مصیبت مبتلا نگردید، مگر در حالی که گریانید. آن‌گاه رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سر مبارک را پوشانید و به سرعت از آن وادی گذر نمود.^(۱)

دو - همچنین بخاری به سندش نقل می‌کند که علی(علیه السلام) از نماز

خواندن در سرزمین فرو رفته بابل کراهت داشت.^(۱)

سه - «حلبی» در «سیره» خود نقل می‌کند:

اجماع امت بر این است که مکانی که اعضای شریف پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را در بر گرفته، بهترین قسمت روی زمین است؛ حتی بهتر از موضع کعبه شریفه. برخی دیگر گویند: افضل قسمت‌های روی زمین است، حتی از عرش الهی.^(۲)

چهار - سمهودی شافعی در بحث تفضیل سرزمین مدینه بر سرزمین‌های دیگر می‌گوید:

این سرزمین مشتمل بر قطعه زمینی است که به اجماع امت، بر سایر قطعه‌ها برتری دارد و آن همان قطعه‌ای است که بدن شریف پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را در بر گرفته است.^(۳)

پنج - سمهودی همچنین نقل کرده که مردم بعد از فوت پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می‌آمدند و از خاک قبر حضرت(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به جهت تبرک برمی‌داشتند و با خود می‌بردند: «عایشه به جهت آنکه بدن پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نمایان نگردد، دستور داد دور قبر پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) دیواری کشیده شود».^(۴)

۲. قرآن و دعوت به دعا در کنار قبور اولیا

خداوند متعال می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعَفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمْ

الرَّسُولُ لَوْحَدُوا اللَّهَ تَوَابًا رَحِيمًا» (نساء: ۶۴)

و اگر هنگامی که گروه منافق بر خود به گناه ستم کردند از کردار خود به سویی خدا توبه کرده و به تو رجوع می‌کردند و پیامبر هم برای آنان استغفار می‌نمود، البته در این حال خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

کلمه «جاؤک» شامل زمان حیات و ممات پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) هر دو می‌شود و همان‌گونه که در زمان حیات پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) گناه کار وجود داشت، بعد از وفات ایشان نیز چنین است، لذا انسان احتیاج به واسطه‌ای دارد تا به او توسل کند و خداوند با استغفار او گناهانش را بپامرزد. حال چه اشکالی دارد، نماز و دعا که در آن استغفار است در کنار قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) و در حضور آن حضرت انجام گیرد تا از برکات ایشان گناهان ما آمرزیده شود.

وانگهی خداوند متعال گرچه در آیه‌ای استغفار را به‌طور مطلق ذکر کرده و می‌فرماید:

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال: ۲۳)

ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند.

ولی در آیه قبل، استغفار را مقید به رفتن نزد رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) کرده است. اکنون که رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) از دنیا رفته باید کنار قبر او یا اولیای دیگر رفت و با توسل به آن ذوات مقدسه، حاجات خود، از جمله پذیرش توبه را از

بی‌شک نماز در مقابر به جهت عبادت صاحب قبر و قبله قرار دادن آن شرک است، ولی هیچ مسلمانی این چنین نیتی ندارد، بلکه هدفش از این عمل، تنها تبرک جستن از آن بقعه و مکان است؛ زیرا نماز و دعا در آن مکان شریف ثواب بیشتری دارد و اگر این چنین نبود، چرا عمر و ابابکر وصیت نمودند تا در جوار پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) دفن شوند؟ مگر به جهت تبرک نبود؟ نمازگزار هم به همین نیت در جوار قبور اولیای الهی نماز می‌خواند.

در قصه اصحاب کهف، به چه دلیل مؤمنان و موحدان، ساختن مسجد را بر روی مدفن اصحاب کهف پیشنهاد دادند؟ مگر برای غیر این جهت بود که واجبات دینی‌شان را در جوار آنان انجام دهند تا عملشان متبرک گردد. لذا زمخشری در ذیل آیه می‌گوید: «پیشنهاد به این جهت بود که مسلمانان در آن مکان نماز گزارده و به مکان آنان تبرک بچینند»^(۱).

همین بیان را نیشابوری نیز در «تفسیر» خود آورده است.

خداوند متعال قصه اصحاب کهف و پیشنهاد موحدان را نقل می‌کند، ولی سکوت کرده و پیشنهاد آنان را رد نمی‌کند، این خود دلیل بر مشروعیت عمل و پیشنهاد آنان است.

قرآن کریم به حاجیان امر می‌کند که نزد مقام ابراهیم(علیه السلام) نماز به‌جای آورند. مقام ابراهیم(علیه السلام) همان صخره‌ای است که آن حضرت بر روی آن برای ساختن کعبه می‌ایستاده است. خداوند متعال می‌فرماید:

«وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ

مُصَلِّيَّ» (بقره: ۱۲۵)

و به یاد آور زمانی که کعبه را مقام امن و مرجع امر دین گردانیدیم و امر شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید.

می‌دانیم که نماز خواندن در این مکان برای تبرک به مقام ابراهیم (علیه السلام) است.

۲. پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و نماز و دعا در کنار قبور اولیا

سیوطی در باب احادیث معراج می‌گوید: پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وارد مدینه، طور سینا و بیت لحم شد و در آن مکان‌ها نماز خواند. حیرثیل به او عرض کرد:

ای رسول خدا! آیا می‌دانی کجا نماز می‌گزاری؟ تو در شهر طیبی نماز خواندی که هجرت به سوی آن بود. تو در طور سینا نماز گزاردی؛ مکانی که خداوند با موسی(علیه السلام) سخن گفت. تو در بیت لحم نماز گزاردی؛ مکانی که عیسی(علیه السلام) متولد شد.^(۱)

پس بیت لحم به دلیل ولادت حضرت عیسی(علیه السلام) در آن، متبرک است، لذا پیامبر اسلام(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در آن مکان نماز می‌گزارد. حال چه فرقی بین زادگاه و مقبره است؟ مگر پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در مسجد «خیف» نماز به‌جای نیاورد؛ در حالی که در حدیث است که آن مسجد مدفن هفتاد پیامبر خداست؟

طبرانی به سند صحیح از ابن عمر نقل می‌کند که در مسجد «خیف» هفتاد پیامبر مدفون است.^(۲)

۱. الخصائص الکبری، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۲۰۴.

مگر پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در کنار قبر ابراهیم(علیه السلام) نماز به‌جای نیاورد؟ چنان‌که ابوهزیره از رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نقل می‌کند که فرمود: هنگامی که حیرثیل مرا به بیت‌المقدس آورد و به قبر ابراهیم(علیه السلام) گذر داد، گفت: «ای پیامبر خدا! فرود آی تا دو رکعت نماز در این مکان گزاریم؛ زیرا اینجا قبر پدرت ابراهیم(علیه السلام) است». سپس مرا وارد بیت لحم نمود و گفت: «فرود آی تا در این مکان نیز دو رکعت نماز گزاریم؛ زیرا برادرت عیسی(علیه السلام) در این مکان متولد شده است».^(۱)

۴. مسلمانان و نماز و دعا در کنار قبور اولیا

مسلمانان در ایام حج در حجر اسماعیل نماز می‌گزارند؛ در حالی که آن مکان مدفن اسماعیل و هاجر است، حال چه فرقی بین اسماعیل و پیامبر اسلام(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است؟

اگر نماز در کنار قبر اشکال دارد، چرا عایشه تا آخر عمر در کنار قبر پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به زندگی خود ادامه داد؟ و در آنجا نماز به‌پاداشت؟

مگر نبود که فاطمه زهرا(سلام الله علیها) - آن زنی که طبق نص پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) : خدا به رضایت او راضی و به غضب او غضبناک می‌شود - هر جمعه به زیارت قبر حمزه می‌آمد و در کنار قبر نماز به‌جای می‌آورد؟

مسلمانان در طول تاریخ سعی داشته‌اند تا به این سنت عمل کرده و نماز خود را در کنار قبور اولیای الهی به‌جای آورند، و هیچ‌گاه به ذهن کسی نیامده که این عمل حرام یا مکروه است.

۱. صحیح ابن حبان.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) سؤال کرد: «ای ابا عبدالله! آیا به طرف قبله فرار گیرم و دعا کنم یا روی به رسول خدا کرده و دعا نمایم؟». مالک در جواب گفت:

چرا روی خود را از رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) بر می‌گردانی؛ در حالی که او وسیله تو و پدرت آدم به سوی خدا تا روز قیامت است؟ بلکه روی خود را به طرف او بنما و او را شفیع قرار ده تا خداوند شفاعت او را در حق تو قبول کند.^(۱)

نه تنها دعا و نماز در کنار قبر رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) جایز است، بلکه خود آن حضرت در کنار قبور بقیع نماز میت و نماز عید قربان خوانده است؛ زیرا در روایات آمده که در رجب سال نهم هجری، نجاشی پادشاه حبشه از دنیا رفت.^(۲) هنگامی که خبر به رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) رسید، به اصحاب فرمود: «خارج شوید تا برای پرادرتان که در غیر سرزمین شما از دنیا رفته نماز (میت) بگذارید». پرسیدند: «چه کسی؟» فرمود: «نجاشی». پس رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) به بقیع رفت و از حبشه تابوت نجاشی برای پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) در مدینه نمایان شد و رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) (با اصحاب) بر او نماز گذاردند.^(۳)

همچنین در سنن بیهقی آمده است که رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) روز عید قربان به بقیع رفت و دو رکعت نماز عید گذاشت.^(۴)

این نمازها در حالی در بقیع گذارده شده که آنجا قبرستان بود؛ زیرا

۱. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۷۶.

۲. الاصابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۳۴۸.

۳. دقائق التفسیر، ابن تیمیه، ج ۱، ص ۳۱۶.

۴. سنن بیهقی، ج ۳، ص ۳۱۱.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) از سال اول هجرت آنجا را قبرستان مسلمانان قرار داده و اولین کسی که در آنجا دفن گردید اسعد بن زراره بود.^(۱)

همچنین دلیل بر جواز نماز در کنار قبور، نماز در حجر اسماعیل است؛ چنان که ابن عباس می‌گوید:

و هر آینه بین حجر تا رکن یمانی قبرهایی از قبور پیامبران است، و چون قوم آن پیامبران، ایشان را آزار می‌دادند از بین آنها بیرون می‌آمدند و در آن مکان، خدا را عبادت می‌کردند تا از دنیا رحلت کنند.^(۲)

۵. اهل بیت(علیهم السلام) و دعوت به نماز و دعا در کنار قبور اولیا

در روایات اهل بیت(علیهم السلام) به نماز خواندن در کنار قبور اولیای الهی به جهت تبرک جستن از آنان سفارش فراوان شده است:

الف) ابن قولويه به سندش از امام صادق(عليه السلام) نقل کرده که فرمود: «صَلِّ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام)»^(۳)؛ «در کنار قبر حسین(عليه السلام) نماز گزار».

ب) و نیز به سندش از علي بن ابي حمزه نقل کرده که از عبد صالح موسي بن جعفر(عليهم السلام) سؤال کردم درباره نماز مستحبی در روز، کنار قبر حسین(عليه السلام)؟ حضرت فرمود: «آری».^(۴)

ج) و نیز به سندش از امام باقر(عليه السلام) نقل کرده که به مردی فرمود:

يا فلان! ما يمنعك إذا عرضت لك حاجة أن تأتي قبر الحسين

۱. استيعاب، ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۱۶۰.

۲. المعجم الكبير، طبراني، ج ۱۱، ص ۴۵۴؛ مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳. کامل الزیارات، ص ۲۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۸۱.

- صلوات الله عليه - فتصليّ عنده اربع ركعات، ثمّ تسأل حاجتك؛ فإنّ الصلاة الفريضة عنده تعدل حجّة و الصلاة النافلة تعدل عمرة.^(۱)

اي فلانی! چه چیز تو را مانع می‌شود که هرگاه بر تو حاجتی عارض شود اینکه به کنار قبر حسین - صلوات الله عليه - بیایي و در آنجا چهار رکعت نماز گزاري و سپس حاجت خود را طلب کنی؟ زیرا به‌جای آوردن نماز واجب در کنار قبر او معادل یک حج و نماز مستحب، معادل با یک عمره می‌باشد.

د) و نیز به سندش از شعيب عقرقوفي نقل کرده که گفت: به امام صادق(عليه السلام) عرض کردم: «کسی که به زیارت قبر حسین(عليه السلام) بیاید چه مقدار ثواب و اجر دارد؟» حضرت فرمود:

يا شعيب! ما صلّي عنده أحد الصلاة إلّا قبلها الله منه و لا دعا عنده احد دعوة إلّا استجيبت له عاجله و آجله...^(۲)

اي شعيب! کسی که نزد قبر حسین(عليه السلام) نماز بخواند خداوند نمازش را از او قبول می‌فرماید، و کسی که در آنجا دعا بخواند خداوند دعا و خواسته حال و آینده او را برآورده خواهد کرد...

ه) کلینی به سندش از حسن بن عطیه نقل کرده که امام صادق(عليه السلام) فرمود:

إذا فرغت من السّلام علي الشّهداء فأنت قبر أبي عبد الله(عليه السلام)،

۱. همان، صص ۲۶۴ و ۲۶۵.

فَجَعَلَهُ بَيْنَ يَدَيْكَ ثُمَّ تُصَلِّي مَا بَدَا لَكَ.^(۱)

و چون از سلام بر شهیدان فارغ شدي به طرف قبر امام حسین(عليه السلام) برو و قبر را در برابرت قرار بده و هرچه می‌خواهي نماز بگذار.

و) شیخ طوسی^(۱) به سندش از مفضل بن عمر نقل کرده که گفت:

قال أبو عبد الله (عليه السلام) في حديث طويل في زيارة قبر الحسين (عليه السلام) ... ثم تمضي إلي صلاتك ولك
يكل ركعة ركنها عنده كتاب من حج ألف حجة.^(۲)

امام صادق (عليه السلام) در حدیثی طولانی که درباره زیارت قبر امام حسین (عليه السلام) است، فرمود: ... سپس
برای نماز می‌روی و هر رکعت نماز که نزد او به‌جای می‌آوری همانند ثواب کسی است که هزار حج به‌جای آورده
است.

ز) و نیز از امام ابو جعفر (عليه السلام) نقل کرده که به شخصی فرمود:

يا فلان ما يمتنعك إذا عرّضت لك حاجة أن تأتي قبر الحسين (عليه السلام) فتصلّي عنده أربع ركعات.^(۳)

ای فلانی! چه چیز تو را مانع شده از اینکه چون حاجتی پیدا کردی به زیارت قبر حسین (عليه السلام) بیایی و کنار
قبر او چهار رکعت نماز گزاری.

۶. اهل سنت و دعوت به نماز و دعا در کنار قبور اولیا

شمس الدین محمد بن محمد جزری در کتاب «عدة الحصن

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، صص ۵۱۷ و ۵۱۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۱۸.

الحصین» تحت عنوان «اماکن اجابت دعا» می‌نویسد:

هي المواضع المباركة، و لا اعلم انه ورد عن النبي (صلي الله عليه وآله وسلم) في ذلك إلا ما رواه الطبراني بسند
جيد: ان الدعاء مستجاب عند رؤية الكعبة. و ورد مجرباً في مواضع كثيرة مشهورة: في المساجد الثلاثة و... و عند
قبور الانبياء عليهم الصلاة و السلام. ولا يصح قبر نبي بعينه سوي قبر نبينا محمد (صلي الله عليه وآله وسلم)
بالاجماع فقط. و قبر ابراهيم داخل السور من غير تعيين. و حربت استجابة الدعاء عند قبور الصالحين بشروط
معروفة.^(۱)

همان مواضع مبارک، و نمی‌دانم که از پیامبر (صلي الله عليه وآله وسلم) درباره آنها روایتی رسیده باشد جز آنچه را
که طبرانی به سند نیک روایت کرده که دعا هنگام دیدن کعبه مستجاب است. ولی در مواضع بسیاری تجربه شده و
مشهور است؛ از آن جمله؛ سه مسجد و... نزد قبرهای انبیا علیهم الصلاة و السلام، و صحیح نیست قبر پیامبری به
طور خصوص به جز قبر پیامبر ما محمد (صلي الله عليه وآله وسلم) به اجماع فقط. و قبر ابراهیم داخل حصار بدون
تعیین، و من استجابات دعا را نزد قبرهای صالحان با شروط معروفی تجربه کرده‌ام.

دوم: بنای مسجد در کنار قبور اولیا

علمای اهل سنت غیر از وهابیان بر جواز بلکه رجحان ساختن مسجد در کنار قبور انبیا تأکید کرده‌اند:

۱. دیدگاه احناف

عبدالغنی نابلسی در کتاب «الحدیقة الندیة» می‌نویسد:

و اما من اتخذ مسجداً في جوار صالح أو صلّي في قبره و قصد به الاستظهار بوجه، أو وصول اثر من آثار عبادته إليه لا للتعظيم له و التوجه إليه، فلا حرج؛ إذ مرقد اسماعيل(عليه السلام) عند الحطيم من المسجد الحرام، ثم ان ذلك الموضع افضل مكان يصلي فيه. كذا في شرح المصايح.^(۱)

و اما کسی که در جوار فرد صالحی مسجدی برای خود قرار داده یا در مقبره او نماز گزارد و قصدش به نحوی کمک گرفتن از او یا رسیدن به اثری از آثار عبادت او باشد نه به جهت تعظیم و توجه به او، هرگز

اشکالی در این کار نیست؛ زیرا مرقد اسماعیل(علیه السلام) کنار حطیم در مسجدالحرام است، در حالی که آن موضع بهترین مکان برای به‌جا آوردن نماز می‌باشد. در شرح مصایح نیز این چنین آمده است.

او نیز در بحث روشن کردن شمع بر روی قبر می‌گوید:

و هذا كلّه اذا خلا من فائدة، و اما اذا كان موضع القبور مسجداً علي القبور أو علي طريق أو كان هناك احد جالس أو كان قبر ولي من اولياء الله أو عالم من المحققين تعظيماً لروحه المشرقة علي تراب جسده كاشراق الشمس علي الأرض اعلاماً للناس أنه ولي ليتبركوا به و يدعوا عنده فيستجاب لهم، فهو امر جائز لا مانع منه، و الأعمال بالنيات.^(۱)

تمام اینها در صورتی است که این کار بی‌فایده باشد، ولی اگر موضع قبرها مسجدی بر قبور یا بر راهی بوده یا کسی در آن مکان نشسته باشد یا قبر یکی از اولیای الهی یا عالمی از محققین است که به جهت تعظیم روح انورش، خاک جسدش مبارک شده همانند نورافشانی خورشید بر زمین، تا به مردم اعلام کند که او ولی خداست و مردم به او تبرک جسته و نزد او خدا را بخوانند تا دعایشان مستجاب شود، این امری است جایز و هرگز مانعی در آن نیست، و می‌دانیم که اعمال به نیت انسان بستگی دارد.

ابن الهمام از علمای حنفیه می‌گوید:

آنچه از ابوحنیفه نقل شده که او رو به قبله و پشت به قبر رسول(صلی الله علیه وآله وسلم) دعا می‌کرد مردود است؛ زیرا خلاف سنت است... کرمانی هم در این

زمینه می‌گوید: مذهب ابوحنیفه - که رو به قبله بودن است - باطل است؛ زیرا پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) در ضریح خود زنده است و زائرینش را می‌شناسد...^(۱)

۲. دیدگاه مالکی‌ها

در کتاب «المدونة الكبرى» آمده است:

قلت لابن القاسم: هل كان مالك يوسع ان يصلّي الرجل و بين يديه قبر يكون سترة له؟ قال: مالك لايري بأساً بالصلاة في المقابر و هو إذا صلّي في المقبرة كانت القبور بين يديه و خلفه و عن يمينه و شماله. قال: و قال مالك: لا بأس بالصلاة في المقابر. قال: و بلغني أنّ بعض اصحاب النبي(صلي الله عليه وآله وسلم) كانوا يصلون في المقبرة.^(۱)

به ابن القاسم گفتم: آیا مالک اجازه می‌داند تا کسی روبروی قبری که مانع اوست نماز گزارد؟ او گفت: مالک هرگز بر نماز در مقبره‌ها ایراد نمی‌گرفت. و او هنگامی که در مقبره نماز می‌خواند قبرها در مقابل و پشت سر و چپ و راست او بود. او گفت: مالک گفته که نماز در مقبره‌ها اشکال ندارد. و نیز گفته که به من از برخی اصحاب پیامبر(صلي الله عليه وآله وسلم) رسیده که آنان در مقبره نماز می‌گزارند.

ابن الحاج مالکی در کتاب «المدخل» می‌نویسد:

و كذلك يدعو عند هذه القبور (قبور الصالحين) عند نازلة نزلت

۱. شرح الشفا، ج ۳، ص ۵۱۷.

۲. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۹۰.

به او بالمسلمين، و يتضرّع إلي الله تعالى في زوالها و كشفها عنه و عنهم.^(۱)

و نیز در کنار این قبرها (یعنی قبرهای صالحان) هنگامی که مصیبتی بر او یا بر مسلمانان وارد می‌شود دعا می‌کند و به سوی خداوند متعال در زایل شدن و برطرف شدن آن از خودش و مسلمانان تضرع می‌نماید.

۲. دیدگاه شافعی‌ها

ابوعبدالله محمد آبی در «شرح صحیح مسلم» می‌نویسد:

قال بعض الشافعية: كانت اليهود و النصارى يسجدون لقبور الأنبياء و يجعلونها قبلة يتجهون إليها في السجود فاتخذوها أوثاناً، فمنع المسلمون من ذلك بالنهي عنه، فأما من اتخذ مسجداً قرب رجل صالح أو صلي في مقبرته للتبرك بأثاره و اجابة دعائه هناك فلا حرج في ذلك. و احتجّ لذلك بانّ قبر اسماعيل(عليه السلام) في المسجد الحرام عند الحطيم، ثم انّ ذلك الموضع افضل مكان للصلاة فيه.^(۲)

برخی از علمای شافعی گفته‌اند که یهود و نصارا بر روی قبرهای انبیا سجده می‌کردند و آن قبرها را قبله خود قرار داده و در سجده به آنها متوجه شده و بت قرار می‌دادند. مسلمانان با نهيي که از آن شد از این‌گونه کارها منع شدند، و اگر کسی نزدیک مرد صالحی را مسجد خود قرار دهد یا در مقبره‌ای به جهت تبرک به آثار آن و اجابت دعایش در آن محل نماز گزارد هرگز اشکالی ندارد. آنان در جواز این

۱. المدخل، ابن الحاج، ج ۱، صص ۲۴۹ - ۲۵۲.

۲. شرح صحیح مسلم، آبی، ج ۲، ص ۲۳۴.

عمل چنین استدلال کرده‌اند که قبر حضرت اسماعیل(علیه السلام) در مسجد الحرام کنار حطیم است، در حالی که آن موضع بهترین مکان برای نماز به‌جای آوردن می‌باشد.

ذهبی و ابن عساکر شافعی از ابراهیم بن سعد نقل کرده‌اند که گفت:

رأیت محمد بن المنکدر یصلّی فی مقدم المسجد، فاذا انصرف مشی قلیلاً ثم استقبل القبلة و مدّ یدیه و دعا ثم ینحرف عن القبلة و یشهر یدیه و یدعو، یفعل ذلك حین ینخرج فعل المودّع.^(۱)

محمد بن منکدر را دیدم در حالی که جلو مسجد (رسول خدا(صلّی الله علیه وآله وسلّم)) نماز به‌جا می‌آورد، و چون از نماز فارغ شد کمی حرکت کرد، آن‌گاه رو به قبله نمود و دست‌های خود را بلند کرده و دعا نمود، و سپس از قبله برگشت و دست‌ها را باز کرده و دعا نمود، و چون می‌خواست (از مسجد) خارج شود همانند وداع کنند این عمل را تکرار کرد.

خفاجی در «شرح الشف» می‌گوید: «رو به پیامبر(صلّی الله علیه وآله وسلّم) و پشت به قبله بودن هنگام دعا، مذهب شافعی و جمهور اهل سنت است و از ابوحنیفه نیز نقل شده است».^(۲)

بررسی ادله وهابیان

وهابیان برای اثبات مدعای خود در عدم جواز نماز و منع بنای مسجد در کنار قبور اولیا به ادله‌ای تسمک کرده‌اند:

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۵۸؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۶، ص ۴۸.

۱۸۵

۲. شرح الشفا، ج ۳، ص ۵۱۷.

دلیل اول: نهی از نماز بر قبور

البانی از پیامبر(صلّی الله علیه وآله وسلّم) نقل کرده که فرمود: «نماز را به سوی قبر و روی قبر نخوانید».^(۱)

پاسخ

اولاً؛ وهابیان نمی‌توانند به منقرضات حدیثی خود بر ردّ عمل دیگران استناد کنند، همان‌گونه که ابن حزم در «الفصل» می‌گوید:

ما نمی‌توانیم علیه شیعه به روایات خود تسمک کنیم؛ زیرا آنان ما را تصدیق نمی‌کنند، همان‌گونه که آنان نیز نمی‌توانند به روایاتشان بر ما استدلال نمایند.^(۲)

ثانیاً؛ طبق نصّ حدیث، نماز خواندن به طرف قبور و تعظیم آنها از آن جهت نهی شده که موجب شرک و غلو در دین است، ولی اگر نماز در کنار قبور اولیا صرفاً به جهت تبرک باشد اشکالی ندارد.

بیضاوی در تفسیر خود می‌گوید:

یهود و نصاری در عصر پیامبر(صلّی الله علیه وآله وسلّم) بر قبر انبیای خود به جهت تعظیم آنان سجده می‌کردند و آن قبرها را قبله خود قرار داده و به طرف آن نماز می‌گزارند و در حقیقت آنها را بت‌های خود قرار می‌دادند، لذا پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلّم) آنان را لعن کرده و مسلمانان را از امثال این اعمال باز می‌داشت.^(۳)

حال اگر کسی در کنار قبور اولیای الهی نماز و دعا بخواند، نه به نیت

توجه و تعظیم به آنها، بلکه از آن جهت که این بقعه متبرک است و انسان در این بقعه - به دلیل اینکه در جوار ولی خداست، کسی که داعی توحید بوده و... - می‌تواند با توجه و اخلاص بیشتری نماز بخواند، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه راجح است.

دلیل دوم: نهي از باب سدّ ذرائع

برخی همانند بن باز به قاعده سدّ ذرائع تمسک کرده و می‌گویند:

از آنجا که نماز و دعا کنار قبور اولیا راهی به سوی شرک است و ممکن است انسان را در برخی از موارد در خطّ شرک قرار دهد، باطل و حرام است.^(۱)

پاسخ

در بحث اصول به اثبات رسیده که ذریعه و وسیله حرام مطلقاً حرام نیست، بلکه مقدمه و ذریعه موصله حرام است. در مورد بحث نیز، نماز و دعایی که به شرک منجر شود حرام است، ولی نماز و دعایی که هرگز این نتیجه را به همراه ندارد، نه تنها حرام و باطل نیست، بلکه جایز و مستحب است. و اکثر قریب به اتفاق مردم تنها به قصد تبرک مکان، در کنار قبور اولیای الهی نماز می‌گذارند، نه به جهت تعظیم صاحب قبر.

دلیل سوم: راهی به سوی شرک

عبدالعزیز بن عبدالله بن باز می‌گوید:

از آنجا که نماز و دعا کنار قبور اولیا راهی به سوی شرک است

و ممکن است انسان را در برخی از موارد در خط شرک قرار دهد، باطل و حرام می‌باشد.^(۱)

این قیم جوزیه به دو آیه بر این حکم استدلال کرده است:

۱. خداوند متعال می‌فرماید:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۰۸)

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند.

«وَلَا يَضْرِبَنَّ يَارْجُلَيْهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور: ۳۱)

و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود.

ابن قیم می‌گوید:

سبّ کردن خدایان مشرکان فی حدّ نفسه اشکالی ندارد و نیز پا زدن زن بر زمین فی حدّ نفسه مستلزم اشکالی نیست؛ آری تنها اشکال، از آن جهت است که سبّ شما باعث می‌شود که یک عمل حرام که سبّ خداست از ناحیه مشرکان انجام گیرد. و نیز پا زدن به جهت جلب توجه مردان نامحرم اشکال دارد.

پاسخ

در اصول فقه به اثبات رسیده که ذریعه و وسیله حرام مطلقاً حرام

نیست، بلکه مقدمه و ذریعه موصله حرام است. در مورد بحث نیز، نماز و دعا در کنار قبور اولیا آن وقت حرام است که منجر به شرک شود نه مطلق آن، و لذا اگر از مردم بپرسید که به چه جهت کنار قبور اولیا نماز می‌خوانید؟ می‌گویند به جهت تبرک به آن مکان‌ها برای قرب بیشتر به خداوند، نه قرب به صاحب قبر.

دلیل چهارم: مصداق منع از مساجد

خداوند متعال می‌فرماید:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا» (بقره: ۱۱۴)

کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟!

آنان می‌گویند: نماز در کنار قبور اولیا مصداق منع مردم از مساجد خداست.

پاسخ

اولاً: آیه فوق درباره کسانی است که مانع از ذکر اسم خدا در مساجد شده و سعی در خرابی آن می‌نمایند، و کسی که در کنار قبور اولیای الهی نماز به‌جا می‌آورد همچنین قصدی ندارد.

طبری در تفسیر خود از ابن زید در تفسیر آیه فوق نقل کرده که آنان مشرکانند که در روز حدیبیه از ورود پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) به مکه مانع شدند... (۱)

ثانیاً: کسانی که بالای سر قبور اولیای الهی نماز می‌گذارند به جهت تبرکی است که در آن نقطه وجود دارد و می‌تواند انسان را به سوی خدا نزدیک‌تر نماید، و کسانی که در آن امکنه نماز می‌گذارند هرگز کسی را از نماز گزاردن در مساجد منع نمی‌کنند و حتی خودشان را نیز از نماز گزاردن در مساجد و برکات آن محروم نمی‌کنند.

ثالثاً: به همین جهت است که بالای سر امامان را مسجد قرار داده‌اند تا بین نماز در کنار قبور اولیای الهی به جهت تبرک و تقرب بیشتر به سوی خدا و به‌جای آوردن نماز در مساجد جمع شود.

دلیل پنجم: منافات با اعتکاف در مساجد

خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ»؛ «و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید». (بقره: ۱۸۷)

آنان می‌گویند: نماز خواندن در کنار قبور اولیا با دستور به اعتکاف در مسجد منافات دارد.

پاسخ

آیه فوق اشاره به حکم خاص و در موردی خاص دارد و آن اینکه هنگام اعتکاف در مساجد که در ایام خاص همچون ماه رجب و دهه آخر ماه رمضان مستحب است با زنان خود مباشرت و مجامعت نکنید. و لذا در صدر آیه چنین آمده است: «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ

۱۹۰

عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ»؛ «و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید».

دلیل ششم: لزوم توجه به خدا در مسجد

خداوند متعال می‌فرماید:

«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۹)

بگو: پروردگرم امر به عدالت کرده است؛ و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید.

آنان می‌گویند: خواندن نماز در کنار قبور اولیا با دستور خدا به توجه به او در مسجد، سازگاری ندارد.

پاسخ

اولاً: از ظاهر آیه فوق هنگامی که ضمیمه به جمله بعد شود که می‌فرماید: «وَأَدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»؛ یعنی با اخلاص در دین، خدا را بخوانید، چنین استفاده می‌شود که واجب است در هنگام عبادت، از غیر خدا بریده و تنها به او توجه داشته باشیم. این‌کثیر در تفسیر آیه فوق می‌گوید:

أي امرکم بالاستقامة في عبادة في محالها و هي متابعة المرسلين المؤيدين بالمعجزات فيما اخبروا به عن الله، و ما جاؤا به من الشرائع و بالاخلاص له في عبادته؛ فانه تعالي لا يقبل العمل حتي يجمع هذين الركنين؛ ان يكون صواباً موافقاً للشريعة و ان يكون خالصاً من الشرك. (۱)

شما را امر به استقامت در عبادت در محل آن نموده است و آن پیروی از رسولانی است که با معجزات در آنچه از جانب خدا به آنان خبر داده شده

۱۹۱

۱. مختصر تفسیر ابن کثیر، صابونی، ج ۲، ص ۱۴.

و آنچه از شرایع آورده‌اند، تأیید شده‌اند. و نیز آنان را مأمور به اخلاص در عبادت نموده است؛ زیرا خداوند متعال عمل کسی را قبول نمی‌کند تا آنکه این دو رکن در او جمع باشد؛ یکی اینکه صواب بوده و موافق شریعت باشد و دیگر اینکه از شرک خالص باشد.

ثانیاً: همان‌گونه که اشاره کردیم کسانی که در کنار قبور اولیا نماز به‌جای می‌آورند که غالباً مسجد است، هرگز مانع از به‌جای آوردن نماز در مساجد نیستند.

دلیل هفتم: لزوم آبادانی مساجد

خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّمَا يَعْزُمُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (توبه: ۱۸)

مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.

آنان می‌گویند: نمازگزاران در کنار قبور اولیا با دستور به آبادانی مساجد سازگاری ندارد؛ زیرا موجب خلوت شدن مساجد می‌گردد.

پاسخ

کسانی که بالای سر قبر اولیای خدا نماز می‌خوانند، یعنی مکان‌هایی که به عنوان مسجد وقف شده، از آن جهت است که در کنار

علی نور است یعنی نور و برکت مضاعف دارد و لذا قرب بیشتری به سوی خدا برای آنان حاصل می‌شود.

دلیل هشتم: نهی از خواندن اولیا همراه با خدا

خداوند متعال می‌فرماید: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؛ «و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید». (جن: ۱۱)

آنان می‌گویند: نمازگزاران در کنار قبور اولیا، مصداق خواندن اولیا همراه با خداست.

پاسخ

به طور قطع و یقین کسانی که در کنار قبور اولیای الهی نماز به‌جا می‌آورند اولیا را شریک خدا قرار نداده و در عرض خداوند آنها را صدا نمی‌زنند، بلکه از آن جهت که مکان آنها دارای تبرک است از این طریق می‌توانند به اخلاص در عبادت و تقرب تام و تمام نایل آیند.

دلیل نهم: نهی از قبر شدن خانه‌ها

ابویعلی موصلی به سندش از امام علی بن الحسین (علیهم السلام) نقل کرده:

«رَأَى رَجُلًا يَجِيءُ إِلَى فِرْجَةِ كَانَتْ عِنْدَ قَبْرِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَيَدْخُلُ فِيهَا فَيَدْعُوا، فَنَهَاهُ فَقَالَ: أَلَا أَحَدَنْتُمْ حَدِيثًا سَمِعْتَهُ مِنْ أَبِي عَن جَدِّي عَنِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: لَا تَتَخَذُوا قَبْرِي عَيْدًا وَلَا بَيْتَكُمْ قُبُورًا، وَ صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ تَسْلِيمَكُمْ يَلْغَنِي أَيْمَانًا كُنْتُمْ»^(۱)

حضرت شخصی را دید که به طرف شکافی می‌رود که کنار قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) است و در آنجا دعا می‌خواند، حضرت او را از این کار نهی کرد و فرمود: آیا می‌خواهی برای تو حدیثی نقل کنم که از پدرم و او از جدّم رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده است؟ پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: قبر مرا عید قرار ندهید و خانه‌هایتان را مقبره ننمایید، و بر من درود فرستید، چرا که سلام شما هر کجا که باشید به من می‌رسد.

آنان می‌گویند: نماز در کنار قبور اولیا مصداق عید قرار دادن قبور است، لذا دستور داده شده که از راه دور هم می‌توانید بر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) درود فرستید و نماز خواندن در کنار قبر او ضرورتی ندارد.

پاسخ

اولاً: در سند آن جعفر بن ابراهیم جعفری قرار دارد که هیچ کس او را توثیق نکرده است، و لذا البانی آن را در «احکام الجنائز» به عنوان شاهد آورده است.^(۱)

ثانیاً: در حدیث پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) اشاره‌ای به نهی از دعا کنار قبر نشده است.

ثالثاً: بر فرض صحت این حدیث، می‌توان آن را قضیه‌ای اختصاصی دانست و لذا نمی‌توان از آن تعدی کرد.

دلیل دهم: نهی از مسجد قراردادن قبور

بخاری و مسلم از پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده‌اند که فرمود:

لعن الله اليهود والنصارى، اتخذوا قبور انبياءهم مساجد.^(۱)

خدا یهود و نصارا را لعنت کند؛ چرا که قبور انبیای خود را مسجد کردند.

آنان می‌گویند: نماز در کنار قبور اولیا مصداق مسجد قراردادن قبور است.

پاسخ

اولاً: مفاد این حدیث مخالف با آیات قرآن کریم است؛ زیرا خداوند متعال اشاره کرده که یهود هیچ‌گونه احترامی را برای پیامبران‌شان قائل نبودند، بلکه آنان را تکذیب کرده و می‌کشتند.

خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِحًا كَذَبْتُمْ وَقَرِيفًا تَقْتُلُونَ» (بقره: ۸۷)

آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی برخلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید)؛ پس عده‌ای را تکذیب کرده، و جمعی را به قتل رساندید؟!

و می‌فرماید:

«...قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (بقره: ۹۱)

بگو: اگر (راست می‌گویید، و به آیاتی که بر خودتان نازل شده) ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل می‌رسانید؟!

خداوند متعال می‌فرماید:

«وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (صف: ۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: ای قوم من! چرا مرا آزار می‌دهید با اینکه می‌دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟! هنگامی که آنها از حق منحرف شدند، خداوند قلوبشان را منحرف ساخت؛ و خدا فاسقان را هدایت نمی‌کند!

ثانیاً: روایت، از ساختن مسجد بر روی قبر نهی می‌کند و هیچ اشاره‌ای به ساختن مسجد در کنار قبور انبیا و اولیا ندارد.

ثالثاً: معلوم نیست که نهی در این روایات، تحريمی باشد؛ چنان که بخاری این روایات را تحت عنوان «باب ما یکره من اتخاذ المساجد علی القبور» آورده و آنها را حمل بر نهی تنزیهی و کراهتی کرده است.^(۱)

شیخ عبدالله هروی در توجیه احادیث فوق می‌گوید:

آن احادیث بر کسانی حمل می‌شود که قصد نماز بر قبر انبیا به جهت تعظیمشان دارند و این در صورتی متصور است که قبور، آشکار و باز باشد، وگرنه نماز در آنجا حرام نیست.^(۲)

نیز عبدالغنی نابلسی حنفی می‌گوید:

اگر کسی مسجدی را در کنار قبر صالحی بسازد یا در کنار قبر او به جهت تبرک جستن از او نماز گزارد، نه به جهت تعظیم صاحب قبر

و توجه به او در نماز، اشکالی ندارد؛ زیرا مرقد اسماعیل(علیه السلام) نزد "حطیم" مسجد الحرام است و آن محل بهترین مکانی است که نماز در آنجا خوانده می‌شود.^(۱)

علامه بدرالدین حوثی، در شرح روایات فوق می‌گوید: «معنای مسجد قرار دادن قبور، این است که انسان نمازگزار قبر را قبله قرار داده و بر آن نماز گزارد».^(۲)

دلیل یازدهم: نهی از بت‌شدن قبور

احمدبن حنبل و دیگران از رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نقل کرده‌اند که فرمود:

اللهم لاتجعل قبري وثناً، لعن الله قوماً اتخذوا قبور انبيائهم مساجد.^(۳)

بارخدايا! قبر مرا بت قرار مده، خدا لعنت کند قومي را که قبرهاي پیامبرانشان را مساجد کرده‌اند.

آنان می‌گویند: نماز در کنار قبور اولیا همانند آن است که قبر پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را بت و یا مسجد قرار دهیم.

پاسخ

محمد بن علوي مالكي در جواب از این حدیث می‌گوید:

و قد جاء في الحديث الصحيح ما يدلّ علي أنّ قبره(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) محفوظ من وقوع الشرك و الوثنية؛
لأنّه طلب و دعا ان لا يكون قبره وثناً

۱. الحديقة الثنية، ج ۲، ص ۶۳۱.

۲. زیارة القبور، ص ۲۸.

۳. مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۶؛ موطأ مالک، ج ۱، ص ۱۷۳.

بعید، و دعاؤه مستجاب. قال(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) : (اللهم لاتجعل قبري وثناً يعبد، اشتدّ غضب الله علي قوم
اتخذوا قبور انبيائهم مساجد).

و معني الحديث الشريف علي ماتعطيه رواياته من جميع طرقه، النهي عن ان يقصد القبر بالصلاة عليه أو اليه، تعظيماً
لصاحب القبر او للقبر، فانّ ذلك كان ذريعة لمن سبق من الأمم إلي الشرك و عبادة القبور و اهلها. و قد اعتبر الشارع
بهذا النهي هذه الذريعة فسدها علي امته لئلا يقعوا فيما وقع فيه الأمم قبلهم، و قد حقّق الله رجاءه و استجاب
دعاه، فليس في المسلمين من يعظم قبره(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بالصلاة عليه أو اليه.

و قد ثبت عنه عليه الصلاة و السلام الإشارة إلي دفنه في هذا الموضع. فقد روي البزار بسند صحيح، و الطبراني
مرفوعاً: (ما بين قبري و منبري روضة من رياض الجنة)۱، بلفظ «القبر» بدل «البيت»، فقد علم أنّ مسجده الشريف
يكون بجوار قبره و حكم له بهذا الفضل و رغب الأمة في اتيانه، ولم يأمرهم بهجر مسجده لأجل القبر ولا بدهمه، بل
صرّح بأن الصلاة فيه أفضل من الف صلاة فيما سواه إلا المسجد الحرام، و خصّ مايلي القبر الشريف إلي المنبر بانه
(روضة من رياض الجنة).^(۲)

در حدیث صحیح مطلبی آمده که دلالت دارد بر اینکه در کنار قبر پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) شرک و بت‌پرستی
انجام نمی‌گیرد؛ زیرا حضرت طلب کرده و دعا نموده که قبر او بتی نشود که آن را بپرستند، و می‌دانیم

۱. المعجم الأوسط، طبراني، ج ۱، صص ۳۶۰ - ۴۱۲؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۴، ص ۹.

۲. زیارة النبوة، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

که دعای او مستجاب است. پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: «بارخدايا! قبر مرا بتی قرار مده که پرستیده
شود، غضب خداوند بر قومي شدت یافت که قبرهاي انبيائشان را مساجد کردند». و معنای حدیث آن‌گونه که از
مجموعه طرق آن استفاده می‌شود عبارت است از نهی پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از اینکه قصد شود نماز بر
آن یا به طرف آن، به جهت تعظیم صاحب قبر یا برای قبر، که این کار راهی بوده برای امت‌های پیشین به وقوع در

شرک و عبادت قبور و اهل آن. و شارع با این نهی خود این راه را سد کرده تا امتش در مشکلی نیفتند که امت‌های پیشین افتادند. و خداوند امید آن حضرت را محقق ساخت و دعایش را مستجاب نمود، و لذا در بین مسلمانان کسی وجود ندارد که قبر آن حضرت را تعظیم کرده و بر آن یا به سوی آن نماز گزارد.

و از او علیه الصلاة و السلام ثابت شده که به این موضعی که الآن دفن شده اشاره کرده است.

بزار به سند صحیح و نیز طبرانی مرفوعاً نقل کرده‌اند که پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «ما بین قبر و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است». با لفظ «قبر» به جای «حجره».

و از این عبارت استفاده می‌شود که مسجد شریف آن حضرت در جوار قبر او خواهد بود، و حکم کرده بر او به این فضیلت و امت را ترغیب به آمدن به آنجا نموده است، و مردم را به جهت قبرش از مسجدش دور نکرده و دستور تخریب آن را نداده است، بلکه تصریح کرده به اینکه نماز در آن از هزار نماز در غیر آن برتر است، جز مسجدالحرام. و از قبر تا منبر را به باغی از باغ‌های بهشت توصیف کرده

دلیل دوازدهم: نهی از عیدشدن قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)

احمد بن حنبل از پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده که فرمود: «لا تجعلوا قبري عيداً»^(۱)؛ «قبر مرا عید قرار ندهید».

آنان می‌گویند: عید از ماده «عود» است و کسانی که در کنار قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نماز می‌خوانند مکرر نزد قبر او می‌آیند که در این حدیث از آن نهی شده است.

پاسخ

محمد بن علوی مالکی در معنای این روایت می‌گوید:

قال الحافظ زكي الدين المنذري: يحتمل ان يكون المراد به الحث علي كثرة زيارة قبره(صلی الله علیه وآله وسلم)، و ان لا يهمل حتى لا يزار إلا في بعض الأوقات، كالعيد الذي لا يأتي في العام إلا مرتين.

و منهم من فهم منه النهي عن ان يجعل للزيارة يوم خاص لا يكون إلا فيه، كما ان العيد كذلك، و إنما الذي ينبغي هو ان يزار عليه الصلاة و السلام كلما تيسر ذلك من غير تخصيص بيوم، و ذكر هذا التأويل التقى السبكي.

و منهم من فهم ان معناه النهي عن سوء الأدب عند زيارته عليه الصلاة و السلام باللغو و اللعب كما يفعل في الاعياد و إنما يزار للسلام عليه و الدعاء عنده و رجاء بركة نظره و دعائه و رد سلامه، مع المحافظة علي الأدب اللائق بهذه الحضرة الشريفة النبوية.

و لعلّ هذا هو الأقرب ان شاء الله، فإنّ من عادة اهل الكتاب الاغراق في اللغو و الزينة و اللعب عند زيارة انبيائهم و صالحهم، فنهى عليه الصلاة و السلام الأمة عن ان يتشبهوا في هذا اللغو و اللعب عند زيارته عليه الصلاة و السلام، بل عليهم ان يأتوا لزيارته مستغفرين تائبين و ان يكونوا إذا زاروه بعد وفاته كما يكونون بين يديه في حياته.^(۱)

حافظ زكي الدين منذري گفته: احتمال دارد که مراد به این حدیث وادار کردن بر کثرت زیارت قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) است و اینکه همیشه به زیارت آن بیایند مگر در برخی از اوقات، مثل روز عید که در سال، تنها دو بار می‌آیند.

و برخی از علما از آن حدیث این‌گونه فهمیده‌اند که پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نهی کرده از اینکه زیارت او در یک روز خاص انجام گیرد، همان‌گونه که عید این‌گونه است، و آنچه سزاوار است اینکه پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) هر اندازه که ممکن است قبرش زیارت گردد و به روز خاصی اختصاص نیابد. این تأویل را سبکی ذکر کرده

است. برخي فهميده‌اند که معني اين حديث نهي از اسائه ادب است هنگام زيارت پيامبر عليه الصلاة و السلام، با لهو و لعب، آن‌گونه که در اعياد انجام مي‌گيرد، بلکه بايد تنها به جهت سلام و دعا کنار قبر و اميد برکت نظر و دعای او و ردّ سلامش به زيارت آن حضرت رفته شود، ولي با محافظت بر ادبي که لايق به آن حضرت شريف نبوي است. و گویا اين معني به واقع نزديک‌تر است اگر خدا بخواهد؛ زيرا از عادات اهل کتاب (يهود و نصارا) اغراق و

غلو در لهو و زينت و لعب، هنگام زيارت انبيا و صالحانشان مي‌باشد؛ لذا پيامبر عليه الصلاة و السلام امت را از تشبّه به آنان در اين لهو و لعب هنگام زيارتش نهي کرده است، بلکه بر مسلمانان وظيفه است که در حالت استغفار و توبه به نزد او آيند، و هنگامي که بعد از وفاتش به زيارت او مي‌روند چنين باشد که در زمان حياتش نزد او قرار گرفته‌اند.

دليل سيزدهم: نهي از قبله‌شدن قبر انبيا

صدوق مرسلا از پيامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نقل کرده که حضرت فرمود:

لَاتتخذوا قبري قبلة و لا مسجداً؛ فَإِنَّ اللهَ لعن اليهود حيث اتخذوا قبور الأنبياء مساجداً.^(۱)

قبر مرا قبله و مسجد خود نکنيد؛ زيرا خداوند يهود را از آن جهت که قبرهاي انبياي خود را مسجد کرده‌اند لعنت کرده است.

آنان مي‌گويند: کساني که در کنار قبر پيامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نماز مي‌خوانند و به آن التزام دارند، گویا قبر او را قبله يا مسجد کرده‌اند.

پاسخ

اولاً؛ همان‌گونه که اشاره شد اين حديث مرسل است و لذا بدین جهت ضعيف مي‌باشد.

ثانياً؛ آنچه در قرآن درباره يهود آمده بر خلاف مضمون اين روايت است؛ زيرا در آن آمده که يهود پيامبران خود را به قتل مي‌رسانند.

خداوند متعال مي‌فرمايد:

«سَتَكُتَبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ» (آل عمران: ۱۸۱)

به زودي آنچه را گفتند، خواهيم نوشت؛ و (همچنين) کشتن پيامبران را به‌ناحق (مي‌نويسيم).

و نیز مي‌فرمايد:

«فِيمَا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ» (نساء: ۱۵۵)

(ولي) به‌خاطر پيمان‌شکني آنها، و انکار آیات خدا، و کشتن پيامبران به‌ناحق.

ثالثاً: مقصود از حدیث نهی، قرار دادن قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) به عنوان قبله و یا سجده بر آن است، نه آنکه دلالت بر

۲۰۳

ساختن مسجد در کنار قبور اولیای الهی داشته باشد.

۲۰۴

۲۰۵

سوم: طواف قبور اولیا

دیدگاه اهل سنت

از نظر اهل سنت طواف در اطراف قبر رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) حرام و منهی عنه است. اینک به عباراتی از اهل سنت در این زمینه می‌پردازیم:

۱. محیی الدین نووی می‌نویسد: «لایجوز أن یطاف بقبره»^(۱)؛ «طواف کردن به دور قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) جایز نیست».

۲. محمد بن شربینی می‌نویسد: «ولیحذر من الطواف بقبره(صلی الله علیه وآله وسلم)»^(۲)؛ «باید از طواف کردن به دور قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) پرهیزد».

۳. سمهودی در آداب حرم مطهر نبوی می‌نویسد:

ومنها: أن یجتنب لمس الجدار وتقبيله والطواف به، والصلاة إلیه.^(۳)

و از جمله آداب این است که از لمس کردن دیوار و بوسیدن آن و طواف به دور قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) و نماز به طرف آن خودداری کند.

۱. المجموع، نووی، ج ۸، ص ۲۷۵.

۲. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳.

۲۰۶

۳. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۱۴۰۲.

تفصیلی درباره طواف بر قبور اولیا

طواف قبور اولیا علی‌الخصوص رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و سایر انبیا و امامان از اهل بیت(علیهم السلام) از نظر قصد و عنوانی که طواف کننده دارد بر چند نوع است:

۱. اینکه به عنوان عبادت انجام گیرد همان‌گونه که طواف خانه خدا به این عنوان و نیت است.

شکی نیست که طواف به این عنوان را اگر کسی به دور قبر ولی خدا انجام دهد بدعت و حرام بوده بلکه به یک معنا شرک است.

۲. اینکه طواف را به عنوان عبادت و پرستش آن ولی و تعظیم به قصد الوهیت یا ربوبیت او انجام ندهد، بلکه تنها به قصد این انجام دهد که مستحب و مطلوب شرعی است. این نوع نیز حرام و بدعت است؛ چون امر استحبابی بر طواف به دور قبور اولیای الهی حتی رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) نرسیده است.

۳. اینکه شخص طواف‌کننده فقط به این جهت طواف می‌کند که صاحب قبر را دوست دارد و به جهت علاقه‌ای که به او دارد دور او می‌گردد، و لذا مقید به هفت شوط هم نیست. این نوع طواف محذوریت شرعی ندارد، و بر فرض که دلیلی بر حرمت طواف بر غیرخانه خدا (کعبه) باشد از این مورد انصراف دارد.

۴. اینکه طواف را تنها به قصد تبرک انجام دهد تا از برکات صاحب قبر بهره گیرد نه به قصد عبادت، و از آن جهت که تبرک جستن از

اولیای الهی - آن‌گونه که خود به اثبات رساندیم - اشکالی ندارد، این نوع از طواف نیز خالی از اشکال است.

بررسی روایات

از آنجا که ممکن است برخی به روایاتی از اهل بیت(علیهم السلام) درباره طواف قبر و ظهور آنها در نهی تمسک کنند، لذا ضرورت دارد که به بررسی اجمالی این روایات بپردازیم:

حلی از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده که فرمود:

لا تشرب وأنت قائم، ولا تطف بقبر ولا تبئل فی ماء نقیع، فإنّ من فعل ذلك فأصابه شيء فلا يلومنّ إلا نفسه...^(۱)

در حال ایستاده آب نیاشام، و طواف به قبری مکن و در آب گوارا و زلال بول نکن؛ زیرا کسی که چنین کرد و به او چیزی رسید به جز خودش کسی دیگر را ملامت نکند.

و نیز محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق(علیهم السلام) نقل کرده که فرمود:

لا تشرب وأنت قائم، ولا تبئل فی ماء نقیع، ولا تطف بقبر...^(۲)

در حالی که ایستاده‌ای شرب مکن و در آب گوارا بول نکن، و به قبری طواف منما...

این دو روایت گرچه از جهت سند قوی است؛ زیرا هر دوی آنها صحیح است، ولی از جهت دلالت نه تنها راجع به طواف به معنای دور زدن نیست، بلکه ربطی به بحث ما ندارد.

مراد از طواف در این دو حدیث، غائط کردن است نه طواف نمودن و دور زدن. شاهد بر این مطلب عبارت طریحی در «مجمع البحرین» است که در ماده «طواف» می‌گوید:

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۱۱.

الطّواف: الغائط ومنه الخبر: لا یصلّ أحدکم وهو یدافع الطّوف. ومنه الحدیث: لا تبئل فی مستنقع، ولا تطف بقبر.^(۱)

طواف به معنای غائط است، و از همین ماده است روایتی که می‌گوید: کسی از شما نباید نماز خود را در حال فشار غائط به جای آورد، و از همین معنا است حدیثی که می‌گوید: در آب گوارا بول مکن و به قبری طواف منما.

و نیز جوهری در «صحاح اللغة» می‌نویسد:

الطّواف: الغائط، تقول منه: طاف یطوف طوفاً واطّاف اطّیافاً، إذا ذهب إلی البراز لیتغوّط.^(۲)

طواف به معنای غائط است. تو از این ماده می‌گویی: طاف یطوف طوفاً و اطّاف اطّیافاً، هنگامی که شخصی بیرون رود تا غائط کند.

فیروزآبادی در «قاموس اللغة» می‌نویسد: «طوف به معنای غائط است. طاف یعنی به جهت غائط کردن بیرون رفت».^(۳)

شبیبه همین معنا را زبیدی در «تاج العروس» آورده است.

وانگهی، مناسبت فقرات حدیث، میان ایستاده آب خوردن و بول کردن در آب راکد و گودال‌هایی که در آنها آب جمع می‌شود با میان قبور غائط کردن است نه دور گشتن و طواف نمودن بر قبور.

به خصوص تعلیلی که در روایت اول برای ارتکاب این امور آمده است که می‌فرماید: «اگر به او چیزی از «خطر» رسید به جز خودش

۱. مجمع البحرین، طریحی، ماده "طوف".

۲. صحاح اللغة، ماده "طوف".

۳. قاموس المحيط، ماده "طوف".

کسی دیگر را ملامت نکند». این تعلیل با غائط کردن مناسبت دارد؛ زیرا این عمل خالی از خطرهای روحی و جسمی نیست. علاوه بر اینکه غائط نمودن بر روی قبور مؤمنین موجب هتک حرمت صاحبان قبور می‌شود.

تأیید این مطلب که دو روایت فوق مربوط به غائط کردن بر قبور است نه طواف کردن و دور زدن بر قبور، اینکه صاحب وسائل در همان باب روایتی را از یحیی بن اکثم نقل کرده که در حدیثی گفت:

بینا أنا ذات یوم دخلت أطوف بقبر رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، فرأيت محمد بن عليّ الرضا (عليه السلام) يطوف به، فناظرته في مسائل عندي...^(۱)

هنگامی که من روزی وارد بقعه رسول خدا شدم تا قبر حضرتش را طواف نمایم، مشاهده کردم محمد بن علی الرضا (علیه السلام) (جواد الائمه) را که مشغول طواف به دور قبر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بود. من در مورد مسائلی چند که نزد من بود با آن حضرت (علیه السلام) مناظره کردم...

تحقیقی از علامه مجلسی

علامه مجلسی در اینجا بحث بلیغی فرموده و انصافاً حق مطلب را ادا کرده است. او پس از آنکه روایت اولی را که از «علل الشرایع» نقل شده ذکر می‌کند می‌گوید:

یحتمل أن یكون النهي عن الطواف بالعدد المخصوص الذي يطاف بالبیت...^(۲)

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۴.

۲. بحارالانوار، ج ۱۰۰، صص ۱۲۶ - ۱۲۸.

محتمل است که مقصود از نهی به طواف، طواف به هفت بار است که مخصوص خانه خدا است... .

او سپس روایت وارده از کتاب «کافی» راجع به طواف حضرت جوادالائمه (علیه السلام) به نقل از یحیی بن اکثم را نقل کرده و در ذیل آن می‌گوید:

والأحوط أن لا يطوف إلا للإتيان بالأدعية والأعمال المأثورة وإن أمكن تخصيص النهي بقبر غير المعصوم، إن كان معارض صريح. ويحتمل أن يكون المراد بالطواف المنفي هنا التغوط.^(١)

و احتياط آن است که جز برای خواندن دعاها و عمل‌هایی که رسیده به دور قبر طواف نکند، گرچه ممکن است که نهی را به قبر غیرمعصوم اختصاص دهیم در صورتی که معارض صریحی بر جواز وجود داشته باشد. و احتمال دارد که مراد به طوافی که نهی شده غائط کردن باشد.

آن‌گاه مرحوم مجلسی برای اثبات احتمال اخیر به کلامی از کتاب «النهاية» ابن اثیر تمسک می‌کند که طواف به معنای غائط‌کردن است. و در آخر با تمسک به روایاتی دیگر این معنا را ترجیح می‌دهد.

مرحوم محدث نوری نیز در «مستدرک الوسائل» کتاب المزار، حق مطلب را ادا کرده است؛ زیرا:

اولاً: عنوان باب را برخلاف صاحب وسائل، باب جواز طواف کردن و دور گشتن بر قبور قرار داده است.

ثانیاً: طواف در روایت مورد نظر را به معنای غائط و حدث گرفته است.

چهارم: دست کشیدن و بوسیدن قبور اولیا

یکی از اعمالی که شدیداً مورد مذمت و طعن وهابیان قرار گرفته و آن را بدعت و شرک می‌نامند مسأله مسح کردن و دست کشیدن بر قبور اولیای الهی و حتی پرده خانه کعبه و دیوار کعبه است. آنها نه تنها حکم به حرمت و شرک بودن این عمل کرده‌اند، بلکه شدیداً با آن به مقابله فیزیکی می‌پردازند. اینک جا دارد این عمل را به طور خصوص مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

اقوال در مسأله

درباره دست‌مالیدن و مسح‌کردن بر قبور اولیای الهی حتی قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) و هر آنچه به حضرت مرتبط است، اقوالی از علمای اهل سنت رسیده است.

۱. قول به حرمت

ابن عثیمین می‌گوید: «برخی از زائرین دست به محراب و منبر و دیوار مسجد می‌کشند، که تمام اینها بدعت است».^(۱)

سمهودی از زعفرانی نقل می‌کند که گفته است: «قرار دادن دست بر روی قبر و مس کردن و بوسیدن آن از بدعت‌هایی است که شرعاً منکر است».^(۱)

الآدمي فيأتي في كتاب الأدب. وأمّا غيره فنقل عن الإمام أحمد أنّه سئل عنه تقبيل منبر النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) وتقبيل قبره فلم ير به بأساً. واستبعد بعض أتباعه صحّة ذلك. ونقل عن ابن أبي الصيف اليماني أحد علماء مكة من الشافعية جواز تقبيل المصحف وأجزاء الحديث وقبور الصالحين وبالله التوفيق.^(۱)

بعضی از علما از مشروع بودن ارکان کعبه، جایز بودن بوسیدن هرکسی را که مستحقّ تعظیم باشد از آدم و غیر آن، برداشت نموده‌اند؛ امّا حکم بوسیدن دست آدمی، در کتاب الادب می‌آید و امّا درباره غیر آدمی از امام احمد نقل شده است که از او درباره بوسیدن منبر و قبر پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) سؤال شد، او این مسأله را بی‌اشکال دانست، ولی بعضی از پیروان او صحیح بودن آن را بعید شمرده‌اند. و از ابن ابی صیف یمانی یکی از علمای شافعی مکه، جایز بودن بوسیدن مصحف (قرآن) و اجزای حدیث و قبور صالحان، نقل شده است و توفیق از ناحیه خداست.

این مطلب در کتاب «نیل الاوطار» شوکانی از کتاب فتح الباری (نیز) نقل شده است.

(ب) سمهودی می‌گوید:

قال العزّ في كتاب العلل والسؤالات لعبدالله بن أحمد بن حنبل عن أبيه رواية أبي علي بن الصوف عنه، قال عبدالله: سألت أبي عن الرجل يمسن منبر رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ويتبرك بمسّه، ويقبله ويفعل بالقبر مثل ذلك رجاء ثواب الله تعالى، قال: لا بأس به.

قال العزّ بن جماعة: وهذا يبطل ما نقل عن النووي من الإجماع. قلت: النووي لم يصرّح بنقل الإجماع لكن قوّة كلامه تفهمه.^(۱)

عزّ می‌گوید: در کتاب «العلل و السؤالات» عبدالله بن احمد بن حنبل از پدرش روایت ابی علی بن صوف را از او نقل کرده که عبدالله گفت: از پدرم درباره مردی که منبر رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) را مسّ می‌کند و به آن تبرک می‌جوید و آن را می‌بوسد و همین کار را با قبر آن حضرت به امید ثواب انجام می‌دهد، پرسیدم او گفت: این کار اشکال ندارد. عزّ بن جماعه می‌گوید: این سخن، اجماع منقول از نووی را باطل می‌کند. می‌گویم: نووی به نقل اجماع، تصریح نکرده و لیکن قوّت کلامش اجماع را می‌فهماند.

(ج) قاضی سبکی می‌گوید:

إنّ عدم التمسّح بالقبر ليس ممّا قام الإجماع عليه: قد روي... في أخبار المدينة... قال: أقبل مروان بن الحكم، فإذا رجل ملتزم القبر، فأخذ مروان برقبته ثمّ قال: هل تدري ما تصنع؟ فأقبل عليه فقال: نعم إنّي لم أت الحجر، ولم أت اللبّن، إنّما جئت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم).^(۲)

بر جایز نبودن مسح قبر، اجماع اقامه نشده است. در «اخبار مدینه» روایت شده است که مروان بن حکم با مردی که به قبر پیامبر ملتزم شده بود (به آن چسبیده بود) مواجه شد، مروان گردن او را گرفت

۱. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۱۴۰۴.

۲. همان؛ المعجم الاوسط، طبرانی، ج ۴، ص ۱۴۰۵.

و گفت: آیا می‌دانی که چه می‌کنی؟ آن مرد په مروان رو کرد و گفت: آری، من سنگ و خشت را نگرفته‌ام بلکه من به پیشگاه رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) آمده‌ام.

این جریان را علامه امینی(رحمه الله) از داوود بن ابی‌صالح این‌گونه نقل می‌کند:

أقبل مروان يوماً فوجد رجلاً واضعاً وجهه (جبهته) علي القبر فأخذ مروان برقبته ثم قال: هل تدري ما تصنع؟ فأقبل عليه فإذا أبو أيوب الأنصاري، فقال: نعم إني لم أت الحجر إنما جئت رسول الله(صلی الله علیه وآله وسلم) ولم أت الحجر سمعت رسول الله(صلی الله علیه وآله وسلم) يقول: لا تبكوا علي الدين إذا وليه أهله ولكن أبكوا علي الدين إذا وليه غير أهله.^(۱)

روزی مروان بن حکم با مردی که صورتش (پیشانی‌اش) را روی قبر (پیامبر) گذاشته بود، مواجه شد، مروان گردن او را گرفت و گفت: آیا می‌دانی که چه می‌کنی؟ وقتی به او رو کرد، دید ابویوب انصاری است و گفت: آری، من برای سنگ نیامده‌ام بلکه به پیشگاه رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) آمده‌ام که می‌فرمود: هرگاه متولی و سرپرست دین، اهل آن بود، بر دین گریه نکنید و لیکن بر دین بگریید آن‌گاه که سرپرستی آن را (انسان) نااهلی عهده‌دار شود.

بعد علامه می‌گوید: «این جریان را حاکم در «مستدرک»^(۲) نقل کرده و آن را صحیح دانسته و عده‌ای دیگر (نیز) نقل نموده‌اند».

این داستان به ما خبر می‌دهد که منع از توسل به قبور طاهره از زمان

۱. الغدير، ج ۵، ص ۱۴۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۱۵.

صحابه از بدعت‌های اموی‌هاست و از هیچ صحابی انکار توسل به قبر پیغمبر و تبرک به آن، غیر از زبیده بنی‌امیه، مروان حکم شنیده نشده است.^(۱)

(د) سمهودی نیز می‌گوید:

أنّ بلالا لما قدم من الشام لزيارة النبي(صلی الله علیه وآله وسلم) أتى القبر، فجعل يبكي عنده، ويمرغ وجهه عليه، وإسناده جيد.^(۲)

هنگامی که بلال برای زیارت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) از شام برای زیارت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) مشرف شد، نزد قبر پیامبر آمد و نزد قبر گریه می‌کرد و صورتش را بر آن می‌مالید. سندهای این روایت خوب است.

علامه امینی داستان بلال را از ابن عساکر در تاریخ شام و حدود ده نفر از بزرگان معروف اهل سنت در «الغدير»^(۳) نقل نموده است.

(ه) طاهر بن یحیی حسینی می‌گوید:

حدثني أبي عن جدي جعفر بن محمد عن أبيه عن علي(عليه السلام) قال: لما رُمس رسول الله(صلی الله علیه وآله وسلم) جانت فاطمة(سلام الله عليها)، فوفقت علي قبره(صلی الله علیه وآله وسلم)، وأخذت قبضة من تراب القبر ووضعت علي عينيها وبكت، وأنشأت تقول:

ماذا علي من شمّ تربة أحمد أن لايشمّ مدي الزمان غواليا
صبت علي مصائب لو أنّها صبت علي الأيام عدن
ليالياً^(۴)

پدرم از جدم از جعفر بن محمد از پدرش از علی(علیه السلام) برایم حدیث نقل

۱. الغدير، ج ۵، صص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۲. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۵.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۴۷.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۴۰۵.

کرد که فرمود: وقتی پیامبر به خاک سپرده شد، فاطمه (سلام الله علیها) بر سر قبر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ایستاد و مشتکی از خاک قبر را گرفت و بر روی چشمانش گذاشت و گریه کرد و این شعر را خواند:

بر کسی که تربت احمد (پیامبر) را ببوید ابداً سختی و بدبختی نخواهد دید.

مصیبت‌هایی بر من وارد شد که اگر بر روزها وارد می‌شد، به شب بدل می‌شدند.

علامه امینی این واقعه را از ابن جوزی در «الوفاء»، ابن سیدالناس در «سیره نبویه»^(۱)، قسطلانی در «المواهب»، القاری در «شرح الشمائل»^(۲)، شیراوی در «الاتحاف»^(۳)، الخالدي در «صلح الاخوان»^(۴)، الحمزاوي در «مشارك الانوار»^(۵)، السيد احمد زيني دحلان در «السيرة النبوية»^(۶) و عده‌ای دیگر از بزرگان اهل سنت نقل نموده است.

(و) خطیب بن حمله می‌گوید:

إنّ ابن عمر كان يضع يده اليمنى على القبر الشريف، وأنّ بلالا وضع خديّه عليه أيضاً... ثمّ قال: ولا شكّ أنّ الإستغراق في المحبّة يحمل علي الإذن في ذلك، والمقصود من ذلك كلّه الإحترام والتعظيم، والناس تختلف مراتبهم في ذلك كما كانت

۱. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲. همان، ص ۲۱۰.

۳. همان، ص ۹.

۴. همان، ص ۵۷.

۵. همان، ص ۶۲.

۶. همان، ج ۲، ص ۳۹۱.

تختلف في حياته فأناس حين يرونه لا يملكون أنفسهم بل يبادرون إليه وأناس فيهم أناة يتأخرون، والكلّ محلّ خير.^(۱)

ابن عمر همواره دست راستش را روی قبر شریف پیامبر می‌گذاشت و بلال دو طرف صورتش را بر آن می‌گذاشت. او سپس می‌گوید: شکی نیست در اینکه شدت محبت بر جواز این کار حمل می‌شود (جایز بودن آن را اثبات می‌کند) و مقصود از این کارها صرفاً احترام و تعظیم کردن است و مراتب مردم به اختلاف درجاتشان در این مسأله متفاوت است؛ همان طوری که در زمان حیات حضرت، مردم چنین بودند؛ بعضی از آنها وقتی پیامبر را می‌دیدند، نمی‌توانستند خویشتن‌داری کنند و چه بسا خود را به حضرت می‌چسباندند و بعضی شکیبایی می‌کردند و عقب‌تر می‌ایستادند، همه اینها خیر و نیکی است.

فنقل عن أحمد أنه سئل عن تقبيل منبر النبي (صلي الله عليه وآله وسلم) وقبره، فلم ير به بأساً، واستبعد بعض أتباعه صحته عنه. ونقل عن ابن أبي الصنف اليماني أحد علماء مكة من الشافعية جواز تقبيل المصحف وأجزاء الحديث وقبور الصالحين. ونقل الطيب الناشر عن المحب الطبري إنه يجوز تقبيل القبر ومسّه؟ قال: وعليه عمل العلماء الصالحين وأنشد:

لو رأينا لسليمي أثراً لسجدنا ألف ألف للأثر

وقال آخر:

أمّ علي الديار ديار ليلي أقبل ذا الجدار وذا الجدارا

وما حبّ الديار شغفن قلبي ولكن حبّ من سكن الديارا^(١)

از احمد نقل شده که از او درباره بوسیدن قبر و منبر پیامبر (صلي الله عليه وآله وسلم) سؤال شد، او این مسأله را بی اشکال دانست، ولی بعضی از پیروانش صحت این مسأله را بعید شمردند. و از ابن ابی صیف یمانی یکی از علمای شافعی مکه، جایز بودن بوسیدن مصحف (قرآن) و اجزای حدیث و قبور صالحان نقل شده است. طیب ناشری از محب طبري نقل کرده است: که (از او سؤال شد): آیا بوسیدن قبر و مس آن جایز است؟ او گفته است: علمای صالح آن را انجام می دادند و این شعر را خوانده است:

اگر از دوست سالم و بی عییم اثری دیدم، برای آن اثر هزار هزار سجده می کنم.

و دیگری گفته: سرزمین ها را به دنبال سرزمین لیلی می گردم و این دیوار و آن خانه را می بوسم، این محبت سرزمین نیست بلکه عشق ساکن سرزمین است که مرا دلباخته کرده است.

ح) سمهودی می گوید:

ونقل بعضهم عن أبي خثيمة قال: حدّثنا مصعب بن عبدالله حدّثنا إسماعيل بن يعقوب التيمي قال: كان ابن المنكدر يجلس مع اصحابه، قال: وكان يصيبه الصمات. فكان يقوم كما هو يضع خده علي قبر النبي (صلي الله عليه وآله وسلم) ثمّ يرجع، فعوتب في ذلك، فقال: إنه يصيني خطرة، فإذا وجدت ذلك إستشفيت بقبر النبي (صلي الله عليه وآله وسلم) وكان

بأنبي موضعاً من المسجد في الصحن فيتمرغ فيه ويضطجع، فقيل له في ذلك فقال: إنّي رأيت النبي (صلي الله عليه وآله وسلم) في هذا الموضع، أراه قال في النوم.^(١)

بعضی از آنها از ابی خثیمه نقل کرده اند که او گفت: مصعب بن عبدالله برای ما حدیث نقل کرده که اسماعیل بن یعقوب تیمی برای ما در حدیثی گفت: ابن منکدر، همواره با اصحاب خود می نشست، او گفت: ابن منکدر همواره در سکوت به سر می برد تا اینکه با آن حال از جا برمی خاست و صورتش را بر قبر پیامبر (صلي الله عليه وآله وسلم) می گذاشت و باز می گشت. آن گاه او از ناحیه دیگران به خاطر این عمل، مورد سرزنش قرار گرفت؛ وی گفت: همانا برای من ناراحتی پیش می آید، در این حال از قبر پیامبر (صلي الله عليه وآله وسلم) شفا طلب می کنم او در مکانی از صحن مسجد (پیامبر) روی زمین می غلطید و خود را می مالید و در آنجا خواب و استراحت می کرد. به او گفته شد:

این چه کاری است؟ در جواب گفت: من پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) را در خواب دیدم که اینجا را نشان می‌دادند.

(ط) سمهودی در این باره می‌گوید:

وفي الأحياء قال بعض العلماء: إنّه قصد بوضع اليد مصافحة الميت يرجي أن لا يكون به حرجٌ ومتابعة الجمهور أحق.^(٢)

در کتاب الاحیاء بعضی از علما می‌گویند: اگر از گذاشتن دست بر روی قبر، مصافحه میت را قصد نماید، امید است که اشکالی نداشته باشد و در هر صورت، تبعیت از جمهور قول علما سزاوارتر است.

۱. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۶؛ الغدير، ج ۵، ص ۱۵۰.

۲۲۲

۲. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۲.

(ی) وی در جای دیگر می‌گوید:

قد انعقد الإجماع علي تفضيل ما ضمّ الأعضاء الشريفة، حتّى علي الكعبة المنيفة وأجمعوا بعدُ علي تفضيل مكّة والمدینة علي سائر البلاد، واختلفوا أيهما أفضل، فذهب عمر بن الخطاب وابنه عبدالله ومالك بن أنس وأكثر المدینین إلي تفضيل المدینة، وأحسن بعضهم فقال: محلّ الخلاف في غير الكعبة الشريفة، فهي أفضل من المدینة ماعدا ما ضمّ الأعضاء الشريفة إجماعاً، وحكاية الإجماع علي تفضيل ما ضمّ الأعضاء الشريفة نقله القاضي عياض وكذا القاضي أبو الوليد الباجي قبله كما قال الخطيب ابن جملة، وكذا نقله أبو الیمان ابن عساكر وغيرهم، مع التصريح بالتفضيل علي الكعبة الشريفة، بل نقل التاج.^(١)

اجماع منعقد شده است بر فضیلت قبری که اعضای شریف (پیامبر) را در بر دارد حتی بر کعبه معظمه هم فضیلت دارد و پس از آن بر فضیلت مکه و مدینه بر سایر بلاد اجماع کرده‌اند؛ اما بر افضل بودن یکی از آن دو بر دیگری اختلاف نموده‌اند، عمر بن خطاب و پسرش عبدالله و مالک بن انس و اکثر اهل مدینه به افضل بودن مدینه نظر داده‌اند و بعضی از آنها نیکو نظر داده‌اند و گفته‌اند که: محلّ خلاف در غیر کعبه شریفه است؛ چون فضیلت کعبه بر مدینه غیر از مکانی که اعضای شریف پیامبر را در بردارد، اجماعی است و حکایت اجماعی بودن فضیلت مکان اعضای شریف (قبر پیامبر) را قاضی عیاض و قبل از او قاضی ابولید باجی نقل کرده است؛ چنان‌که خطیب بن جملة آن

۲۲۳

۱. وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۲۸.

را گفته است. نیز ابویمن بن عساكر و غیر ایشان این مطلب را نقل کرده‌اند و به فضیلت کعبه شریفه تصریح نموده‌اند، تاج چنین نقل کرده است.

(ک) علامه احمد بن محمد مقرئ مالکی (م ۱۰۴۱ هـ. ق) در «فتح المتعال بصفة النعال» به نقل از ولی الدین عراقی نقل کرده که گفت:

أخبر الحافظ أبوسعید بن العلا قال: رأيت في كلام أحمد بن حنبل في جزء قديم عليه خطُ ابن ناصر وغيره من الحفاظ أنّ الإمام أحمد سئل عن تقبيل قبر النبي(صلی الله علیه وآله وسلم) وتقبيل منبره؟ فقال: لا بأس بذلك. قال فأریناه التقی ابن تیمیّه فصار يتعجب من ذلك ويقول: عجبت من أحمد عندي جليل هذا كلامه أو معني كلامه. وقال: وای عجب في ذلك وقد روينا عن الإمام أحمد أنه غسل فميصاً للشافعي وشرب الماء الذي غسله به؟ وإذا كان هذا تعظيمه لأهل العلم فما بالك بمقادير الصحابة؟ وكيف بأثار الأنبياء عليهم الصلاة والسلام؟ وما أحسن ما قاله مجنون ليلي:

أمر علي الديار ديار ليلي أقبل ذا الجدار وذا الجدارا

وما حبّ الديار شغفن قلبي ولكن حبّ من سكن الديار^(۱)

حافظ ابوسعید بن علا خبر داده است: در جزء قدیم کلام احمد بن حنبل که به خطّ ابن ناصر و دیگر حقاظ است، دیدم که از امام احمد درباره بوسیدن قبر و منبر پیامبر (صلي الله عليه وآله وسلم) سؤال شد، او گفت: اشکالي ندارد. ابوسعید گوید: آن نوشته را به تقی بن تیمیه نشان دادم، او از این کلام تعجب کرد و گفت: از احمد که نزد من جلیل‌القدر است، تعجب

می‌کنم! آیا این کلام اوست یا معنای کلام او؟ ابوسعید می‌گوید: چه تعجبی در این کلام است؛ در حالی که از امام احمد به ما روایت رسیده است که او پیراهن شافعی را شست و آبی را که با آن پیراهن را شسته بود نوشید؟ و اگر این عمل تعظیم اهل علم است، پس حکم ارزش صحابه پیامبر و نیز آثار انبیا - علیهم الصلاة والسلام - چه می‌شود؟ و چه زیبا گفته است مجنون درباره لیلی: امرّ علي الديار... .

و این را «الغدير» در پاورقی ذکر نموده است که این جریان؛ یعنی شستن پیراهن شافعی را ابن جوزی در مناقب احمد^(۱) و ابن کثیر در تاریخ خود^(۲) نقل نموده‌اند.

ل) «شافعی صغیر، محمد بن احمد رملی (م ۱۰۰۴ هـ. ق) استاد اساتید مذهب شافعیّه در شرح المنهاج می‌گوید:

ویکره أن يجعل علي القبر المظلة، وأن يقبل التابوت الذي يجعل فوق القبر واستلامه وتقبيل الأعتاب عند الدخول لزيارة الأولياء، نعم، أن قصد التبرک لا يكره كما أفتي به الوالد فقد صرحوا بأنه إذا عجز عن إستلام الحجر سنّ له أن يُشير بعضا وأن يقبلها.^(۳)

روی قبر، سایه انداختن و بوسیدن تابوت بالای قبر و استلام کردن آن و بوسیدن درگاه‌ها هنگام داخل شدن برای زیارت اولیا مکروه است؛ آری، اگر قصد تبرک داشته باشند، مکروه نیست؛ چنان که پدرم به

آن فتوا داده است و علما به آن تصریح کرده‌اند به اینکه اگر کسی از استلام سنگ (قبر) عاجز باشد، جایز است بر او که با عصا اشاره کند و عصا را بوسد.

و در پاورقی می‌گوید:

أخرج الحميدي في الجمع بين الصحيحين وأبو داود في مسنده أن رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) كان يشير إلي الحجر الأسود بمحجنته ويقبل المحجن.

حمیدی در جمع بین صحیحین و ابوداود در مسندش گفته‌اند: رسول خدا (صلي الله عليه وآله وسلم) با عصایش به حجرالاسود اشاره می‌کرد و آن‌گاه عصا را می‌بوسید.^(۱)

م) ابوالعباس احمد رملی کبیر انصاری، استاد اساتید در حاشیه کتاب «روض الطالب» که در حاشیه کتاب «اسنی المطالب» چاپ شده، در ذیل سخن مصنف، درباره ادب مطلق زیارت قبور (اینکه زائر به قبر، به همان اندازه‌ای که در حال حیات به صاحب قبر نزدیک می‌شد، نزدیک گردد) گفته است:

قال في المجموع: ولا يستلم القبر ولا يقبله، ويستقبل وجهه للسلام، والقبلة للدعاء، وذكره أبو موسي الأصبهاني قال شيخنا: نعم، إن كان قبر نبيٍّ أو وليٍّ أو عالمٍ واستلمه أو قبله بقصد التبرك فلا بأس به.^(٢)

در کتاب «المجموع» گوید: و (زائر) قبر را استلام نکند و نبوسد و برای سلام کردن، رو به قبر و برای دعا کردن رو به قبله بایستد.

١. الغدير، ج ١، ص ١٣٣.

٢٢٦

٢. همان، ج ٥، ص ١٥٢.

و ابوموسي اصفهاني همين مطلب را ذکر نموده است. شيخ (استاد) ما گفته است: آري، اگر قبر نبي يا ولي يا عالم باشد، استلام کردن و بوسیدن آن به قصد تبرک اشکال ندارد.

(ن) زرقاني مصري مالكي در «شرح المواهب» گفته است:^(١)

تقبيل القبر الشريف مكروه إلا لقصد التبرك فلا كراهة كما اعتقده الرملي.^(٢)

بوسیدن قبر شريف پیامبر، مکروه است مگر اینکه به قصد تبرک باشد که در این صورت کراهت ندارد، چنان که رملي بر این اعتقاد است.

(س) شيخ ابراهيم باجوري در حاشيه خود بر شرح ابن قاسم غزي بر متن شيخ ابي شجاع در فقه الشافعي گفته است:^(٣)

يكره تقبيل القبر واستلامه ومثله التابوت الذي يجعل فوقه وكذلك تقبيل الأعتاب عند الدخول لزيارة الأولياء إلا أن قصد به التبرك بهم فلا يكره، وإذا عجز عن ذلك لزدحام ونحوه كاختلاط الرجال بالنساء كما يقع في زيارة سيدي أحمد اليدوي وقف في مكان يتمكن فيه من الوقوف بلا مشقة وقرأ ما تيسر وأشار بيده أو نحوها ثم قبل ذلك. فقد صرحوا بأنه إذا عجز عن استلام الحجر الأسود يسن له أن يشير بيده أو عصا ثم يقبلها.^(٤)

بوسیدن قبر و استلام آن مکروه است و همين حکم را تابوتي که بالاي قبر مي گذارند نیز دارد. و همچنين بوسیدن درگاهها هنگام داخل شدن

١. الغدير، ج ٨، ص ٣١٥.

٢. همان، ج ٥، ص ١٥٣.

٣. همان، ج ١، ص ٢٧٦.

٢٢٧

٤. همان، ج ٥، صص ١٥٣ و ١٥٤.

براي زيارت اوليا مكروه است مگر اینکه به قصد تبرک باشد که در این صورت کراهت ندارد و اگر به خاطر ازدحام جمعیت و مانند آن، مثل اختلاط مردان و زنان، از این کارها عاجز باشد، همان طوري که در زيارت سيّد احمد بدوي اتفاق مي افتد، در جايي که بدون زحمت امکان توقف وجود دارد بایستد و هرچه مي تواند (قرآن) قرائت کند و با دست خود و يا چيز ديگر به قبر اشاره کند و سپس آن را ببوسد؛ چون علما تصريح کرده اند به اینکه اگر (زایر) از استلام حجرالاسود عاجز باشد، جایز است که با دست یا عصایش به آن اشاره کند و سپس آن را ببوسد.

(ع) شيخ حسن عدوي حمزاوي مالكي در کتاب «کنز المطالب»^(١) و «مشارك الانوار»^(٢) بعد از نقل عبارت رملي مذکور، مي گوید:

ولامرية حينئذ أنّ تقبيل القبر الشريف لم يكن إلاّ للتبرّك فهو أولي من جواز ذلك لقبور الأولياء عند قصد التبرّك، فيحمل ما قاله العارف علي هذا المقصد، لا سيّما وأنّ قبره الشريف روضة من رياض الجنّة. (۳)

در این صورت، شکی نیست که بوسیدن قبر شریف (پیامبر) تنها برای تبرک می‌باشد، پس این جواز، در مقایسه با بوسیدن قبور اولیا به قصد تبرک سزاوارتر است، بنابراین، آنچه عارف گفته است، بر این معنا حمل می‌شود به ویژه اینکه قبر شریف آن حضرت، باغی از باغ‌های بهشت می‌باشد.

۱. الغدير، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۶۶.

۲۲۸

۳. همان، ص ۱۵۴.

ادله قائلین به حرمت

کسانی که قائل به حرمت دست مالیدن بر قبور اولیا و بوسیدن آن هستند به ادله‌ای چند تمسک کرده‌اند. اینک به هر یک از این ادله پرداخته و آنها را نقد خواهیم کرد:

دلیل اول: دست کشیدن روی قبور شرک است

مسح قبور و بوسیدن آنها از آن جهت که شرک است حرام می‌باشد. و در این جهت فرقی بین شرک کوچک و بزرگ نیست.

پاسخ

اولاً: شرک زمانی است که هنگام تبرک جستن انسان از قبور اولیای الهی با دید استقلال‌ی به آن بنگرد. با این نیت که صاحب قبر به طور مستقل در این عالم تصرف می‌کند و دارای برکت است. ولی اگر تمام تصرفات را از جانب خداوند بدانیم و برکات صاحبان قبور را به اذن خدا به حساب آوریم نه تنها این عمل هرگز شرک به حساب نمی‌آید بلکه در راستای توحید است.

ثانیاً: مسأله تبرک جستن از قبور اولیای الهی امری است که مورد قبول صحابه بوده و عده‌ای در منظر آنها این عمل را انجام می‌دادند و هرگز از طرف شخصی مورد سرزنش قرار نمی‌گرفتند.

ثالثاً: در جای خود ثابت نموده‌ایم انسانی که از این دنیا رحلت می‌کند حیات و تصرفات او باقی است علی‌الخصوص که آن انسان

۲۲۹

یکی از اولیای الهی باشد.

رابعاً: گمان اشکال‌کننده بر این است که این عمل شرک در عبادت است، در حالی که به اثبات رساندیم عبادت دو رکن اساسی دارد: یکی نهایت خضوع و دیگری همراه بودن با اعتقاد به ربوبیت یا الوهیت کسی که برای او خضوع می‌شود. در مورد تبرک و دست کشیدن بر قبور و بوسیدن آنها هرگز چنین نیتی وجود ندارد.

دلیل دوم: دست کشیدن روی قبور بدعت است

دست کشیدن بر قبور و بوسیدن آنجا بدعت بوده و از منکرات است.

پاسخ

اولاً: نبود دلیل بر نهي و حرمت عملي، شرعاً و عقلاً دلیل بر جواز است و نيازي به نصّ و تصريح بر جواز ندارد؛ زیرا اصل در اشياء حرمت و عدم جواز نیست، بلکه عکس آن مي‌باشد. و در مورد دست کشيدن بر قبور و بوسيدن آن هيچ دليلي بر حرمت وجود ندارد.

ثانياً: نه تنها دليل بر حرمت وجود ندارد بلکه - همان‌گونه که اشاره شد - ادله‌اي بر جواز بلکه استحباب و رجحان اين عمل موجود است.

دليل سوم: دست‌کشيدن روي قبور سنت نیست

از عبدالله بن عمر نقل شده که او کراهت داشت از اينکه قبر پيامبر را زياد مسّ نمايد. و نیز از او نقل شده که: از سنت نیست مسّ ديوار قبر و بوسيدن آن و طواف در اطراف آن.^(۱)

۲۳۰

۱. الشرح الكبير، ج ۳، ص ۴۹۶.

پاسخ

اولاً: اين نقل تعارض دارد با نقلي ديگر که از ابن عمر رسیده است.

سمهودي از خطيب بن حمله نقل کرده که گفت:

إنّ ابن عمر كان يضع يده اليمنى على القبر الشريف وأنّ بلالا وضع خده عليه ايضاً...^(۱)

همانا ابن عمر همواره دست راستش را بر روي قبر شريف پيامبر مي‌گذاشت ولي بلال دو طرف صورتش را نیز به آن قرار مي‌داد....

ثانياً: نقل او با عمل برخي از صحابه منافات دارد؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد عده‌اي از صحابه چنين مي‌کردند.

ثالثاً: ابن‌ماجه در سنن خود نقل کرده که ابوبکر، پيامبر را در حالي که از دنيا رفته بود بوسيد.^(۲) و بوسيدن قبر حضرت نیز به مانند بوسيدن خود حضرت است.

رابعاً: در جايي که بوسيدن قبر پدر و مادر اشکالي ندارد؛ بلکه سنت است به طريق اولي بوسيدن قبر پيامبر(صلّي الله عليه وآله وسلم) سنت مي‌باشد.

شخصي نزد پيامبر(صلّي الله عليه وآله وسلم) آمد و عرض کرد: اي رسول خدا! من سوگند خورده‌ام که آستانه درب بهشت و پيشاني حورالعين را ببوسم. حضرت به او امر فرمود تا پاي مادر و پيشاني پدر را ببوسد. عرض کرد: «اي رسول خدا! اگر پدر و مادرم زنده نباشند چه کنم؟» حضرت فرمود: «قبرشان را ببوس». آن شخص عرض کرد: «اگر قبرشان را ندانم؟»

۱. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۵.

۲۳۱

۲. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۶۸.

حضرت فرمود: «دو خطّ بکش يکي را به نيّت قبر مادر و ديگري را به نيّت قبر پدر، آن‌گاه آن دو را ببوس تا اينکه سوگند خود را نشکني».^(۱)

دلیل چهارم: دست کشیدن روی قبور از عادت یهود و نصارا است

سمهودی از کتاب «احیاء العلوم» غزالی نقل کرده که: مسّ مشاهد و بوسیدن آنها از عادات نصارا و یهود است.^(۲)

پاسخ

اولاً: دست کشیدن بر قبور و بوسیدن آنها - همان‌گونه که اشاره کردیم - از عادات مسلمانان و بزرگانی از صحابه چون ابویوب انصاری و بلال و عده‌ای دیگر بوده است.

ثانیاً: هر نوع عادت‌های از یهود و نصارا دلیل بر حرمت آن نیست؛ زیرا چه بسیار مواردی که در شرع اسلام جایز بوده و هست و در شرایع سابق نیز جایز بوده است.

۱. کشف الارتیاب، ص ۳۵۰.

۲. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۲.

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. اغاثة اللهفان، ابن قیم جوزیه، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۲. الأم، محمد بن ادریس شافعی، چاپ دوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۳. بحار الانوار، محمد تقی مجلسی، تهران، منشورات المکتبة الاسلامیة.

۴. بدائع الصنائع، علاء الدین أبوبکر بن مسعود کاسانی حنفی، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۵. تاریخ مدینة دمشق، بیروت، دار الفکر.

۶. تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد، محمد ناصر الدین البانی، ریاض، مکتبة المعارف للنشر والتوزیع، ۱۴۲۳ هـ. ق.

۷. ذکری الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت.

۸. رجال کشی، شیخ محمد بن حسن طوسی، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ هـ. ش.

۹. رد المحتار فی الرد علی المختار، ابن عابدین، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ هـ. ق.

۱۰. رساله زیارة القبور، ابن تیمیہ، ریاض، دار المسلم.

۱۱. زیارة القبور والاستنجاد بالمقبور، ابن تیمیہ، ریاض، دار المسلم للنشر والتوزیع.

١٢. زيارة القبور، علامة بدر الدين حوثي، چاپ اول، قم، المجمع العالمي لأهل البيت، ١٤١٨ هـ. ق.
١٣. سلسلة الأحاديث الضعيفة وأثرها السلبي في الأمة، ناصر الدين الباني.
١٤. الشيعة في المملكة العربية السعودية، حمزة الحسن، بيروت، دار الساقى، ١٤٣٠ هـ. ق.
١٥. عدة الحصن الحصين، شمس الدين محمد بن محمد جزري، دار الوراق.
١٦. الفدير، علامه امينين تهران، دار الكتب الاسلاميه.
١٧. فتاوي اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء، جمع وترتيب شيخ احمد بن عبدالرزاق الدويش، رياض.
١٨. فتاوي نور علي الدرب، شيخ عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، رياض، مدار الوطن للنشر، ١٤٢٨ هـ. ق.
١٩. فتح الباري، ابن حجر العسقلاني، بيروت، دار المعرفة.
٢٠. كامل الزيارات، ابن قولويه، تهران، مكتبة الصدوق.
٢١. كشف القناع، منصور بن يونس بهوتي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ هـ. ق.
٢٢. اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء، القاهرة، مركز فجر للطباعة.
٢٣. المبسوط، شمس الدين سرخسي، بيروت، دار المعرفة.
٢٤. مجموع فتاوي بن باز، ريان، دار الوطن، ١٤١٦ هـ. ق.
٢٥. المجموع، محيي الدين نووي، دار الفكر.
٢٦. المحلّي، ابن حزم اندلسي، بيروت، منشورات دار الآفاق الجديدة.
٢٧. مختصر تفسير ابن كثير، صابوني، رياض، دار النفائس.
٢٨. مغني المحتاج، شيخ محمد شربيني خطيب، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، ١٣٧٧ هـ. ق.

٢٩. المقالات السنية، چاپ اول، بيروت، دار المشاريع للنشر، ١٤١٩ هـ. ق.

٣٠. مقالات الكوثري، محمد زاهد الكوثري، المكتبة الأزهرية للتراث، ١٤١٤ هـ. ق.

٣١. نيل الأوطار، شوكانبي، دار الفكر.

٣٢. وسائل الشيعة، شيخ محمد بن حسن حر عاملي، بيروت، دار احياء التراث العربي.

٣٣. وفاء الوفاء، سمهودي، دار احياء التراث العربي، ١٤٠١ هـ.

